

ضرب المثل های فارسی

»

زبان اردو



- سرشناسه:
عنوان و پدیدآور:
عابدیان کاسگری، علی اکبر، ۱۳۳۷ -
ضرب‌المثل‌های فارسی در زبان اردو / علی اکبر عابدیان کاسگری
ویراستار: مروارید عابدیان کاسگری
مشخصات نشر:
تهران: دگراندیشان، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری:
۱۲۰ ص.
شابک:
۹۷۸-۶۰۰-۹۷۷۷۳-۸-۹
وضعیت فهرست‌نویسی:
فیا
داشت:
عنوان به انگلیسی: Persian proverbs in Urdu language
یادداشت:
کتابنامه
موضوع:
ضرب‌المثل‌های فارسی - ترجمه شده به اردو
موضوع:
Proverbs, Persian - Translations into Urdu
موضوع:
بالمثل‌های فارسی - تاریخ و نقد
موضوع:
Proverbs, Persian - History and criticism
رده‌بندی کنگره:
۱۶ ۱۲۴ ۲۴۶/ ۳۹۹۶ PIR
رده‌بندی دیویی:
۳۹۸/۶۱۴
شماره کتابشناسی ملی:
۴۹۳۱۵۶۴

همه حقوق محفوظ است.

استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن به هر شکل (چاپ، فتوکپی، تهیه قالب‌های صوتی و الکترونیکی، و نشر در فضای مجازی) ممنوع و مشروط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

www.ketab.ir

اول - ۱۳۹۶

۵۰۰ نسخه

مروارید عابدیان کاسگری

بیست هزار تومان

نوبت چاپ:

تیراژ:

ویراستار:

قیمت:

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۱	فهرست ضرب‌المثل‌های فارسی (الفبائی)
۱۵	فهرست ضرب‌المثل‌های فارسی (واجی)
۱۹	فهرست ضرب‌المثل‌های اردو (الفبائی)
۲۲	فهرست ضرب‌المثل‌های اردو (واجی)
۲۷	ضرب‌المثل‌های فارسی و اردو
۹۹	کتابنامه

مقدمه

باورهای مردمی مجموعه‌ای از مبانی رفتاری توده‌های مردم هستند که پیچیدگی و ابهام نداشته و عموماً راهنمایی‌هایی برای تبیین باورها تلقی می‌شوند که به ساده‌ترین شکل بیان شده و به صورت کلی امثال و حکم نامیده می‌شوند. خصلت ذاتی ادبیات عامه موجب می‌شود که امثال و حکم به دلیل انطباق با دریافت عمومی به ادبیات نفوذ کرده و رایج شوند، در غالب اوقات مبدع و منشأ امثال و حکم از حوزه توجه خارج شده اما اصل مطلب در اذهان باقی مانده و حداقل به صورت انشادی به زندگی خود در ادبیات عامه ادامه داده است. فرهیختگان جامعه پارسی‌گوی نیز به مدد صنایع مختلف نثر مسجع و نظم، سیاهه طولایی از حکمت‌های تجربی توده را در قالب جملات اندرزی^۱، تشبیهات^۲، اصطلاحات و عبارات کنایی^۳ و گونه‌های^۴ بحر مانند تلمیحات به پیکره ادبیات عمومی زبان فارسی افزوده‌اند.

امثال و حکم

این مثل که بغفتم ترا نکو مثلی ست

مثل بسنده بود هوشیار مردان را (ناصرخسرو)

امثال و حکم یکی از کهن‌ترین اشکال ادبی و از ارکان معتبر ادبیات هر زبان است. عبارات کوتاه امثال و حکمی بازتاب فردیت و نرس‌های اجتماعی به شمار رفته و حکایت از تجارب طولانی توده‌ها دارند و در هر قالبی اسم از نثر و طنز، انتقاد، واقعیات رفتار اجتماعی، شیوه زیست و عقاید و رسوم سخنوران محدوده زبانی را بیان نموده و کاربر زبان را از به‌کار بستن تعبیر طولانی و احتجاجات نارسا و فرسایشی رها کرده و سخن سخت را به پیامی فصیح بدل می‌نمایند. امثال، جمع مَثَل و مِثْل در زبان عربی به معنی سبب و مانند، برهان و دلیل، مطلق سخن، و پند و عبرت به‌کار رفته است (تاج‌العروس، ذیل مَثَل). مثال‌ها ریشه در حکایات کهن دارند و در قالب‌های متفاوتی به‌کار می‌روند. گذشتگان فارسی‌زبان مثل را یکی از اقسام بیست و چهارگانه ادب می‌شمردند و با استفاده از صنایع گوناگون، ارسال مثل در ادبیات به‌کار بسته و با استفاده از ارسال مثل و مطالب حکیمانه به آرایش کلام و تقوین بیه سخن پرداخته و بر مدعای سخن شاهدهی می‌آوردند^۵. ابوعبید قاسم بن سلام، در سده سوم قمری، مثل را همان سخنان پندآمیز اعراب عصر جاهلیت دانسته که مقصود را به واسطه کنایه ادا می‌کرده‌اند. وی ضرب‌المثل را دارای سه ویژگی اختصار لفظ، صحت معنی و حسن تشبیه

^۱ اندازه نگهدار که اندازه نکوست

^۲ مثل طبل تهی

^۳ رفت ابروش را درست کند چشمش را کور کرد

^۴ «گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم و نثر یا خطابه و سخنرانی اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه خواننده و شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد» (همایی، ۱۳۶۷).

می‌داند (سیوطی، المزهَر، ۴۸۶/۱). بهمنیار معنی اصطلاحی مثل را اینگونه تعریف کرده است: جمله یا ترکیبی است مختصر و مفید، مشتمل بر تشبیه یا مضمونی حکیمانه که به سبب روانی لفظ، روشنی معنی و لطف ترکیب، قبول عام یافته است و همگان آن را بدون تغییر یا با اندک تغییری در موارد مشابه به کار می‌برند (بهمنیار، ۵۲). حِکَم، جمع حکمت، در زبان عربی به معانی کلام سازگار با حقیقت، کار صحیح، عدالت، علم و بردباری به کار رفته است (تاج‌العروس، ذیل حِکَم)، حکمت مجموعه رفتارهای اخلاقی و فرهنگی توده‌هاست و از خرد جمعی آنها سرچشمه می‌گیرد.

تاریخچه امثال و حکم

در زبان فارسی صناعت نحو، صنعتی مقوم و ریشه‌دار است، در مقدمه ابن خلدون می‌خوانیم: "و من الذی یب الوافع ان حملة العلم فی الملة الاسلامیه اکثرهم العجم ... فکان صاحب صناعت النحو سیبویه، والارسی من بعده والزجاج من بعدهما و کلهم عجم فی انسابهم ... و لم یقم بحفظ العلم و تدوینة الا الا اجم ... عجم مصداق قوله صلی‌الله علیه و سلم لو تعلق العلم باکتاف السماء لنا له قوم من اهل فارس".^۵ معانی این خرده را بگیرند که منظور عبدالرحمن بن خلدون از عجم، ملت‌های غیر عرب است. اما نه تنها این خلدون به صناعت نحو سیبویه اشاره دارد بلکه این معنی که امروزه از واژه عجم مصداق می‌شود در عصر ابن خلدون (سده هشتم قمری) رایج نبوده است: "عجم، مطلق در زبان عرب‌ها ایرانیان بودند، چون زودتر از هر بیگانه‌ای با ایرانی‌ها آشنا شدند. سپس که اقوام بیگانه را دیدند آنها را هم عجم می‌گفتند".^۵ داستان‌های کوتاه منثور و منظوم در زبان فارسی پیشینه دیرینی دارند و یکی از شگفتی‌های ادب فارسی، آفرینش سخن ظریف در کمال ایجاز است که در عصر رودکی تا روزگار معاصر با بهره‌گیری از مایه‌های متنوع زبان فارسی و به کمک ذوق فارسی‌سرایان در دفتر بی‌بدیل ادب فارسی نقش بسته است. برخی از این حکایات در قالب ضرب‌المثل به زبان عامیانه گنجانده‌اند، فیلسوف مستشرق سده نوزدهم میلادی، رالف امرسون (R. W. Emerson) در پیشگفتار ترجمه^۶ گلستان سعدی نوشته است: "منشأ انبوهی از قصه‌ها و ضرب‌المثل‌ها، در افواه ما مردم (غرب) است و آن را به نویسندگان جدید نسبت می‌دهیم، از سعدی به ما ... است".

توجه به تزیین کلام از دیر باز مورد عنایت ادیبان فارسی‌زبان بوده است و این فرهیختگان ارجمند آثار ارزشمندی با رعایت مراتب فصاحت و بلاغت آفریده‌اند. "ایرانیان از زمان قدیم، عنایتی به تزیین ظواهر کلام داشته‌اند و در مکاتیب و رسائل دیوانی و غیر دیوانی اسلوب فنی و سبک صناعی به کار می‌بردند و نثر را به اقوال حکما و مواظط اخلاقی و دینی و اشعار و معنیات لطیفه موشح می‌ساختند و آن را به صورت قطعات ادبی، در کمال ظرافت و جمال

^۵ زیدان، جرجی: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹.

^۶ برخی از ایران‌شناسان مانند آربری A. J. Arberry این ترجمه را مغشوش می‌دانند. آربری در اثر خود Classical Persian Literature نقد جامعی بر این ترجمه انگلیسی ارائه نموده است.

درمی‌آوردند. در ترکیب کلمات و کیفیت تعبیرات، تناسب بین متکلم و مخاطب و کاتب و مکتوب الیه و سایر دقائق فنی را رعایت می‌کردند. در رسائل و مکاتیبی که بین عمال دولت و ملوک ساسانی و ملوک اطراف مبادله می‌شد و نیز کتب ادبی زبان پهلوی و خطبه‌هایی که پادشاهان هنگام بر تخت نشستن بیان می‌کردند میل به صنایع و محاسن لفظی و زیبایی کلام دیده می‌شود و این سبک در رسائل، بیش از خطب مراعات می‌شده است.^۷ با توجه به ریشه‌دار بودن صنعت نحو و سابقه دیرینه به‌کار بستن ضرب‌المثل در زبان فارسی، ادیبان ایرانی از سده ششم قمری به گردآوری امثال روی آوردند. رشیدالدین وطواط نخستین ادیب است که به این کار همت گماشت و به درخواست قطب‌الدین محمد خوارزمشاه به تالیف کتاب "لطایف الامثال و طرایف الاقوال" پرداخت. اما از آنجا که رشید وطواط علم امثال را از علوم عرب می‌دانست، مجموعه‌ای از مثل‌های عربی را گرد آورد و به فارسی ترجمه کرد و سپس حکایت‌های فارسی مربوط به آن مثل‌ها را به آنها افزود. کتاب بعدی، "قره‌العین" یا "قره‌العیون" است که از مؤسسی سناس در نیمه دوم سده ششم و اوایل سده هفتم قمری نوشته شده است. این کتاب نیز به ترتیب "انبایی حرف اول مثل‌ها تنظیم شده و دارای مقدمه و متن اصلی، شامل ۴ قسم و سر قسم در ۱۰ فصل و خاتمه است. قسم اول این کتاب از جهت اشتغال بر مثل‌های کهن و به‌کارگیری نشانی‌های فارسی، از مهم‌ترین منابع به شمار می‌رود. در سده یازدهم قمری، محمدعلی هبله‌رودی در سال ۱۰۴۹ ق. در حیدرآباد هندوستان به تألیف کتاب مجمع‌الامثال به ترتیب حروف الفبا مشتمل بر دو هزار مثل فارسی پرداخت. هبله‌رودی در سال ۱۰۵۴ ق. کتاب دیگری نیز به نام مجمع‌التمثیل یا مجمع‌التماثل را به ترتیب حروف تهجی تألیف نمود. همزمان با هبله‌رودی فارسی‌زبان دیگری در هندوستان به نام محمدصادق پسر محمدصادق اصفهانی فصل هشتاد و یک باب سوم دانشنامه بزرگ خود به نام شاهد صادق را به مثل‌های فارسی اختصاص داد و در ۵۶۰۰ مثل فارسی را به ترتیب حروف تهجی گرد آورد. میرک محمد تاشکندی نقشبندی بنی‌های نیز در سده یازدهم قمری مجموعه نوادرالامثال که مجموعه‌ای از مثل‌های فارسی با ترجمه عربی است را به ترتیب حروف تهجی گردآوری نمود. کتاب "امثال" یا "مجمع‌الامثال" اثر میرک محمد طاهر مشتمل بر ۱۲۰۰ مثل و ترکیب و مصراع، اثر دیگر مربوط به سده یازدهم قمری است.

در سده دوازدهم قمری کتاب "مجمع‌الامثال" اثر ابراهیم خالص بوزروفجه‌ای رومی است که مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های فارسی و ترکی است. قدیمی‌ترین اثر دوران اخیر، کتاب "امثال" تألیف نویسنده‌ای ناشناس در عصر قاجار است، این کتاب شامل مثل‌های فارسی به ترتیب حروف الفباست و نخستین مجموعه‌ای است که مؤلف آن به گردآوری جمله‌های عامیانه توجه نشان داده است. در سده چهاردهم قمری نیز کتابی مشتمل بر ۵۰۰۰

ضرب‌المثل توسط علی‌اکبر فرزند علی، نواده قائم‌مقام فراهانی تالیف شد. پس از وی، امیرقلی امینی ۱۰۰۱ سخن را در سال ۱۳۰۳ شمسی در برلین به چاپ رساند و پس از تکمیل آن در سال ۱۳۵۳ شمسی در اصفهان در دو مجلد به زیور طبع آراست.

یکی از مهم‌ترین آثار اخیر در زمینه جمع‌آوری امثال و حکم، مجموعه چهار جلدی امثال و حکم دهخدا شامل ضرب‌المثل‌های فارسی و ضرب‌المثل‌های رایج میان فارسی‌زبانان است که در سال ۱۳۱۱ شمسی در تهران به چاپ رسید. عبارت "امثال و حکم" همت و پایمردی این رادمرد ادبیات معاصر را در ذهن متبادر می‌سازد و ارجمندی فارسی‌زبانان در گرامیداشت خادمان علم و فرهنگ را یادآور می‌شود. جامعیت مجموعه چهار جلدی امثال و حکم برخی از ضرب‌المثل‌ها را احیاء نمود. این مجموعه غنی دارای حدود ۳۰ هزار عنوان مثلی، حکمی، زبانزدی، اصطلاحی و کنایه‌ای است و افزون بر آن، ذیل بسیاری از عنوان‌ها نزدیک به ۱۰ هزار مثل، حکمت، اصطلاح و کنایه، و نیز حدود ۱۲ هزار مورد مستند به شعر شاعران و نوشته نویسندگان مختلف آمده است. روش کیفی علامه دهخدا در تجمیع تشبیهات عادی و سائره به سبک صاحب‌جامه^۸ "امثال" و شیوه صاحب جامع‌التمثیل^۹ و همچنین بهره‌برداری از روش دبیری ابوالفضل بیهمی در ترجمه برخی امثله، پایمردی علامه را به سبک‌های موجود در تاریخ ادبیات فارسی روشن می‌سازد. مطالب این اثر سترگ، دستمایه پایه‌ای و تراز اصلی در تدوین این کتاب در مطالعه قیسی را الحاق با ضرب‌المثل‌های اردو است. فریدون بهمنیار دیگر ادیب فارسی‌زبان است که مجموعه‌ای از ۶۰۴۷ مثل در سال ۱۳۶۱ شمسی تحت عنوان "داستان‌نامه بهمنیاری" به چاپ رسید. احمد شاملو از شعرای معاصر دیگر ادیب فارسی‌زبان است که در زمینه جمع‌آوری ضرب‌المثل ادامه نمود و از سال ۱۳۵۷ شمسی چاپ مجموعه وزین کتاب کوچه را آغاز کرد. امثال در کتاب مجموعه، از دیدگاه فرهنگ عامه و بر اساس مدخل‌های نظم الفبایی خاستگاه‌ها و واژه‌های محوری به‌سیم شده و در ۱۱ گروه کلی طبقه‌بندی گردیده است. ریشه‌های تاریخی امثال و حکم نیز از مهمی از مهدی پرتوی‌آملی است که به توضیح ریشه‌های برخی از ضرب‌المثل‌ها پرداخته است. در مجموعه حاضر کوشش شده است که ضمن استفاده از متون معاصر به سنجینه گرانبهای متون کهن ادبیات فارسی توجه بیشتری شود، متون کهنی که در رعایت سادگی زبان، روشنی سخن، انسجام کلام و بیان اندیشه نمونه اعلائی شیوایی و بلاغت می‌باشند. آثار گرانبهایی که تمثیلات آن، مملو از واژه‌های سنجیده و خوش‌آهنگ، تشبیهات زیبا و دلانیز، ایهامات دقیق و موزون، استعارات لطیف و دل‌انگیز، کنایات به‌جا و استوار، توصیفات بدیع و خیال‌پرور، اشارات نغز و دلنشین و آرایه‌های لطیف و روح‌افزا است. پر واضح است که ادبیات فارسی

^۸ ابوالفضل احمدبن محمد نیشابوری

^۹ محمدعلی هبله‌رودی

یادگارهای پر ارجی برای فارسی‌زبانان و برای همه بشریت به میراث نهاده است، اگر بنا بود که از هر یک از این یادگارا سطری نقل شود چند برابر این مجموعه فراهم می‌شد. البته نمونه‌های انتخاب شده به مثابه مشت‌ای از خروار است بدیهی است که شاید بتوان نمونه‌های بهتری انتخاب کرد ولی مسلم است که هر انتخابی که به عمل می‌آید ناگزیر باید از نمونه‌های دیگر صرف‌نظر می‌شد. در انتخاب تمثیلات و قطعات، سعی شده بر مبنای معیاری واحد آن-هایی انتخاب شوند که همواری و تناسب بین ضرب‌المثل و ارسال مثل در آنها رعایت شده و از حیث نگارش به الزامات ادبی توجه داشته باشند. نکته دیگر آنکه هر چند کوشش شده تا از نقل نایب‌ست نوشته‌ها دوری شود و به اصطلاح ادبا از اطناب اجتناب شود اما هر جا که تمثیل مترادفی در آثار دیگر به کار رفته، سعی شده به لحاظ رعایت امانت و همچنین امکان قیاس سبک‌های مختلف، نقل شوند. این شیوه خوانندگان را به مقایسه آثار نیز بر می‌انگیزاند. و اما درباره شعر همگان اذعان دارند که گرایش فطری فارسی‌زبانان به شعر و بهره بردن از زبان شعر به لحاظ ایجاز و اختصار در کلام و تفهیم معانی بلند و جامع‌الاطراف بودن دارای ریشه عمیقی است و اشعار فارسی از این طریق به ضرب‌المثل‌های فارسی راه یافته و قریب به اتفاق شعرای پارسی‌گوی در آثار ارزشمندی از ضرب‌المثل استفاده نموده‌اند، اما با توجه به استدلال‌های تمثیلی به کار رفته در غالب اشعار و آموزه‌های اخلاقی و عرفانی حضرت مولانا، مولف گرایش بیشتری به استفاده از آثار بزرگوار داشته است. پر واضح است که با توجه به ارسال‌المثل‌های به کار رفته در دفاتر ششگانه مثنوی مولوی، برخی تمثیلات از فراموشی تاریخی رهایی یافته و میراث گرانبهایی برای فارسی‌بانان رقم خورده است. بهره‌مندی حضرت مولانا از روش‌های نظیر استفاده از ضرب‌المثل گمان می‌رود که نه تنها قوه عاقله مخاطبین مورد توجه ایشان قرار داشته بلکه عواطف و احساسات آنها نیز مورد نظر قرار داشته است، لذا در اقناع مخاطبان جهد بلیغ ورزیده و این کوشش قریب به توفیق ایشان در انتقال موضوع به مخاطبان در به‌کارگیری ضرب‌المثل در مثنوی مولوی مشهود است.

نردبان آسمانست این کلام هر که زین بر می‌رود آید به نام

... پاکستان با نام رسمی جمهوری اسلامی پاکستان در جنوب غربی آسیا واقع است. نام پاکستان نخستین بار در سال ۱۳۱۲ شمسی (۱۹۳۳) توسط چودهاری رحمت علی که آن را در نشریه امروز یا هرگز منتشر کرد، به کار برده شد. این نام به عنوان سرواژه از نام‌های سرزمین‌های اصلی اسلامی مربوط به هند غربی ساخته شده است. این سرزمین از جنوب هزار کیلومتر با دریای عمان مرز آبی دارد و از غرب با ایران، از شمال با افغانستان، از شرق با هندوستان، و از شمال شرق با چین هم‌مرز است. ناحیه کشمیر مورد ادعای هندوستان و پاکستان است. در میان کشورهای اسلامی، پاکستان دومین کشور از نظر تعداد محسوب می‌شود. این کشور در سال ۱۹۴۷ به عنوان یک دولت و کشور جدید از هندوستان مستقل شد و همسایگی تاریخی ایران با سرزمین هندوستان در این زمان به پایان رسید. این منطقه

تاریخچه کهنی از زندگی و تمدن را داراست که شامل تمدن دره سند می‌شود. در سال ۱۹۷۱ جنگ داخلی به جدایی و استقلال بنگلادش (پاکستان شرقی) منجر شد. نوع حکومت این کشور جمهوری پارلمانی فدرال است و از ۴ ایالت و چهار قلمرو فدرالی تشکیل می‌شود. پاکستان از نظر زبانی و قومی سرزمین متنوعی است. اردو زبان رسمی، اسلام آباد پایتخت و کراچی بزرگ‌ترین شهر پاکستان است. در نهضت هند علیه استعمار انگلستان که به استقلال هندوستان منجر گردید، کشور پاکستان در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ در دو بخش پاکستان غربی (پاکستان فعلی) و بنگلادش (پاکستان شرقی) تاسیس شد. بعدها با اوج گرفتن تنش‌های سیاسی-نظامی و استقلال بنگلادش، بخش پاکستان غربی به کشور پاکستان (جمهوری اسلامی پاکستان) تغییر نام داد. تاریخ کهن این سرزمین با تاریخ هندوستان و در بخش‌هایی با تاریخ ایران مشترک است. در منطقه پنجاب نیز ابزارهای سنگی ماقبل تاریخ کشف شده است، تمدن دره سند در ۲۵۰۰ تا ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد باز می‌گردد در این سرزمین تشکیل شد. بخش‌هایی از محدوده سرزمین کنونی پاکستان در دوره حکمرانی سلسله‌های هخامنشی، بلوچ، اشکانی، ساسانی، سامانی و بعدها در دوره صفوی، افشاری و قاجار در محدوده سیاسی حکومت‌های سلطه بر ایران قرار داشت. در هنگامه استیلای مغولان بر ایران، سرزمین کنونی پاکستان نیز بخشی از حکومت‌های ایلخانی و تیموری بود، اما انحطاط تدریجی حکومت مغولی در اوایل سده هجری، به‌دوم موقعیت‌هایی را برای گروه‌های افغان، بلوچ و سیک برای اعمال قدرت بر نواحی گسترده‌ای را فراهم آورد. این حکومت‌های محلی با قدرت گرفتن کمپانی هند شرقی و گسترده شدن دامنه‌های بریتانیایی‌ها در شبه قاره هند به نفع کمپانی هند شرقی ضعیف و مضمحل شدند. از نظر زبانی، پاکستان تقریباً کشوری یک‌دست است و زبان اردو به‌عنوان زبان ملی در کل کشور پاکستان رایج است. رسم الخط رایج در هندوستان دیوانگری است اما اردو با رسم الخط عربی-فارسی نوشته می‌شود. سابقه دیرین استفاده از زبان فارسی و پیشینه تاریخی رواج ادبیات فارسی در شبه قاره هند، اردو را از ابتدا با زبان و ادب فارسی پیوند داده است. اشتراکات اوستائی و سانسکریتی نشان دهنده عمق پیوند ساکنان فلات ایران و شبه قاره هند است که در طول تاریخ با آثار مهمی از شبه قاره مانند ترجمه کليلة و دمنه در عهد ساسانی تا تنظیم فرهنگ‌نامه‌های جهانگیری، برهان قاطع، رشیدی، بهارعجم، غیات‌اللغات، آصف‌اللغات و آندراج و مثل‌نامه‌هایی مانند مجمع‌الامثال، جامع‌التمثیل یا مجمع‌التمائیل و شاهد صادق پیوستگی‌های فرهنگی ادامه یافته است. ابن حوقل در صورالارض و اصطخری در المسالك و الممالك، از رواج زبان فارسی در بخش‌های از شبه قاره هند سخن رانده‌اند. در اوایل سده چهارم هجری، در سینه شاعری ظهور کرد مشهور به رابعه بنت کعب که اشعار فصیح دلکشی از او در قدیمی‌ترین تذکره‌ها

نقل شده است و می‌رساند که در زمان او، زبان فارسی در سِند رواج داشته است.^{۱۰} در دوره حکومت غزنویان در اوایل سده پنجم قمری نفوذ زبان فارسی در شبه قاره هند سرعت گرفت و با تأسیس امپراتوری مغول‌ها بر هندوستان به اوج رسید و زبان رسمی حکومت گورکانیان شد. در دوره سیطره مغول بر ایران و رشد صوفی‌گری، صوفیانی مانند هجویری، خواجه معین‌الدین چشتی، شیخ بهاء‌الدین زکریا مولتانی، سیداشرف جهانگیر سمنانی، سیدعلی همدانی و ... نیز در توسعه زبان و ارتقای ادب فارسی در شبه قاره موثر بودند. گستره دامنه نفوذ زبان فارسی در شبه قاره هند تا حدی است که سبک هندی از سبک‌های ادبی فارسی ریشه در شعر شاعرانی مانند بیدل دهلوی و امیرخسرو دهلوی دارد، اقبال لاهوری نیز از دیگر شاعران نام‌دار زبان فارسی است که از شبه قاره هند به عرصه ادبیات فارسی راه یافته است.

پژوهش‌ها^{۱۱} پارمیولوژیک مطالعه ترادف، توازی، وزن، حذف، مبالغه و ... در ضرب‌المثل‌ها و در بعضی زبان‌ها تکرار آوایی یا سایر ویژگی‌های زبانی ضرب‌المثل‌هاست. امروزه پژوهش‌های پارمیولوژیک حتی به دسته علوم شناختی، شناخت ادیان، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پژوهش‌های قومی و غیره^{۱۲} است. انسان‌شناختی وارد شده‌اند. هرچند بسیاری از اندیشمندان این حوزه معتقدند امثال و حکم تبارهای مختلف دارای ارزش‌های قوم‌شناختی منحصر به فرد است اما به اعتقاد والتر گرویدگ و بعضی دیگر از پارمیولوژیست‌ها، بسیاری از امثال و حکم دارای ویژگی‌های همگنی هستند،^{۱۳} مقایسه آنها کمک شایانی برای آشنایی با ارزش‌های نژادی اقوام مختلف است. امثال و حکم این کتاب که از نوع پژوهش‌های پارمیولوژیک قیاسی شناخته می‌شود بدون توجه به لهجه‌ها و گویش‌های متفاوت زبان اردو در قیاس با ضرب‌المثل‌های مجموعه امثال و حکم علامه دهخدا^{۱۴} قرار گرفته‌اند. کوشش شده هر جا مطلبی از یک اثر گزیده شده نام پدیدآورنده ذکر شود. در بعضی موارد برخی مطالب اندک تصرفی به‌عمل آمده است.

علی‌اکبر عابدیان: کاسگری

^{۱۰} Clawson, 2005, p.6.

^{۱۱} در مجموعه امثال و حکم دهخدا امثال، ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات، کنایات، استعارات، کلمات قصار، حکم، و پندها از نظم و نثر به رشته تحریر درآمده‌اند. این مجموعه شامل نزدیک به ۵۰ هزار امثال و حکم و کلمات قصار و ابیات متفرقه است. بیشتر مجموعه را ضرب‌المثل‌های ادیبانه، کلمات قصار و اشعار و بخش کمی را ضرب‌المثل‌های عامیانه تشکیل می‌دهند. شرایط جمع‌آوری طوری بود که دهخدا نتوانست به رواج آنها توجه زیادی داشته باشد. منابعی که در تنظیم مجموعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند: ۱۰۰۰ ضرب‌المثل از امثال میدانی سده پنجم قمری، ۱۰۰ ضرب‌المثل از مجموعه مختصر امثال، نزدیک به ۳۰۰ مثل از جامع‌التمثیل سده یازدهم قمری، چند مثال از کتاب هندی شاهد صادق، ۴۵۰۰ بیت شعر (از جمله ۵۰۰۰ بیت از فردوسی، ۴۰۰۰ بیت از سعدی، ۲۵۰۰ بیت از مولوی، و ۲۵۰۰ بیت از نظامی و اسدی طوسی)، برخی ابیات، شکل‌های گوناگون یک ضرب‌المثل است که هر شاعری به سلیقه خود و با بیانی خاص به نظم در آورده است.